

یادداشت

فراتر از رکورد

نگاهی به ابعاد دستیابی بانک ملی ایران به منابع ۲۰۰۰ همتی

ساسان مهران پور

کارشناس اقتصادی

دستیابی بانک ملی ایران به سطح بی‌سابقه دو هزار همت (۲۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰ تومان) در مجموع منابع ریالی و ارزی، رویدادی است که فراتر از یک رکورد صرفا عددی در ترازنامه بانکی تلقی می‌شود. این موفقیت، در بطن ساختار پیچیده اقتصادی کنونی کشور، یک نقطه عطف استراتژیک و شاخص‌ کلیدی برای سنجش اعتماد عمومی، سلامت مالی و نقش محوری این نهاد در هدایت جریان نقدینگی و توسعه اقتصادی ملی به شمار می‌رود. این حجم عظیم از منابع، تأثیر بانک ملی را به عنوان بازیگر اصلی بازار پول در تخصیص منابع و جهت‌دهی به جریان نقدینگی در سطح کلان، برجسته می‌سازد.

۱. ابعاد کلان اقتصادی و شاخص اعتماد عمومی

حجم منابع دو هزار همت، مستقیما به پیامدهای سیستمی و کلان اقتصادی گره خورده است. این دستاورد در وهله نخست، به عنوان یک شاخص اعتماد عمومی (Confidence Index) مطرح می‌شود؛ چراکه رشد پایدار و چشمگیر این منابع، به‌ویژه در شرایط نوسانات اقتصادی و رقابت شدید، قویا با سطح اعتماد مشتریان (اعم از اشخاص حقیقی و حقوقی) به ثبات، امنیت و توان عملیاتی بانک مرتبط است. این موفقیت، گواهی بر مدیریت مؤثر ریسک و عملکرد پایدار در طول زمان است و یک پشتوانه روانی برای سیستم بانکی کشور محسوب می‌شود.

در بعد دیگر، این منابع همچون «سوخت موتور اقتصاد» عمل کرده و توان اعتباری و موتور تأمین مالی بانک را تقویت می‌کنند. با این حجم از منابع، ظرفیت بانک ملی برای تأمین مالی پروژه‌های کلان ملی، طرح‌های زیرساختی و بخش‌های حیاتی تولیدی و صادرات‌محور -که محرک اصلی رشد تولید ناخالص داخلی (GDP) و ایجاد اشتغال پایدار هستند- به شکل چشمگیری افزایش می‌یابد.

همچنین، به عنوان بزرگ‌ترین بازیگر بازار پول، حجم منابع بانک ملی تأثیری مستقیم بر مدیریت پایه‌های پولی و اثربخشی سیاست‌های بانک مرکزی دارد؛ لذا هرگونه تغییر در استراتژی‌های آن، می‌تواند پیامدهای گسترده‌ای بر نقدینگی، نرخ بهره و مهار تورم در کل کشور ایجاد کند.

۲. تحلیل ساختاری و الزامات کیفی منابع

بررسی علمی این دستاورد نیازمند تحلیل دقیق ساختار و کیفیت این منابع است؛ چراکه رشد ترازنامه باید با سلامت دارایی‌ها همراه باشد. از این‌ رو، تحلیل ترکیب و پایداری منابع (Resource Mix) برای ارزیابی نسبت سپرده‌های بلندمدت (پایدارتر و با هزینه بالاتر) به سپرده‌های جاری و کوتاه‌مدت (کم‌هزینه‌تر و ناپایدارتر) برای اطمینان از پایداری تأمین مالی در بلندمدت ضروری است.

همچنین، کیفیت دارایی‌ها و مدیریت ریسک اهمیت حیاتی دارد؛ به این معنا که رشد منابع باید با مدیریت کارآمد دارایی‌ها و بدهی‌ها (ALM) همگام باشد تا از افزایش تسهیلات معوق (NPL) جلوگیری شود. کفایت ذخایر در برابر ریسک اعتباری در این مقیاس، ضامن سلامت مالی بانک خواهد بود. نکته دیگر، هزینه تأمین مالی (Cost of Funds) است؛ مدیریت کارا به معنای توانایی جذب و حفظ سپرده‌ها با کمترین هزینه ممکن است، به نحوی که حاشیه سود بانک حفظ شود و نرخ‌های رقابتی برای مشتریان تضمین شود. در نهایت، حفظ نسبت کفایت سرمایه (CAR) در سطحی مطلوب و بالاتر از حداقل‌های نظارتی (استانداردهای بازل) هم‌زمان با رشد بی‌سابقه ترازنامه، به عنوان پشتوانه قدرت بانک در جذب شوک‌های مالی و ریسک‌ها حیاتی است.

۳. چشم‌انداز و توصیه‌های استراتژیک

برای تبدیل این دستاورد به یک سکوی پرتاب دائمی برای توسعه فراگیر و دستیابی به چشم‌اندازهای گسترش‌یافته، اقدامات عملی زیر به پایه اصول بانکداری مدرن و با تمرکز بر منافع ملی ضروری است: تحول دیجیتال پیشرفته‌تر: یکسر صرفا مهاجرت به بانکداری آنلاین نیست، بلکه باید شامل سرمایه‌گذاری در هوش مصنوعی (AI) برای پیش‌بینی ریسک و ارائه خدمات شخصی‌سازی‌شده (مانند وام‌دهی مبتنی بر داده) باشد. همچنین، همکاری با فین‌تک‌ها و ایجاد پلتفرم‌های فرامرزی توصیه می‌شود. در بحث تخصیص راهبردی و هوشمندانه، منابع باید با اولویت‌دهی به بخش‌های پیشران مانند دانش‌بنیان‌ها، انرژی سبز و صنایع صادرات‌محور تخصیص یابند و بهتر است صندوق‌های سرمایه‌گذاری تخصصی (مانند صندوق سبز) ایجاد و تمرکز بر زنجیره تأمین داخلی برای کاهش واردات تقویت شود.

در حوزه تقویت حاکمیت شرکتی و ریسک، پیاده‌سازی سیستم‌های نظارت واقعی‌زمان (Real-Time Monitoring) برای جلوگیری از NPL و ادغام ESG (محیط زیست، اجتماعی، حاکمیت) در سیاست‌ها برای جذب سرمایه‌گذاران خارجی امری حیاتی است. تأثیر بر اشتغال و رفاه اجتماعی به عنوان جنبه انسانی‌سازی اقتصاد، باید با تخصیص هدفمند منابع به SMEها (شرکت‌های کوچک و متوسط) و استارت‌آپ‌ها و همچنین ایجاد صندوق‌های وام‌دهی به زنان کارآفرین و مناطق محروم برای کاهش نابرابری درآمدی محقق شود. در نهایت، در بُعد همکاری‌های بین‌المللی، تنوع‌بخشی، تقویت روابط با بانک‌های منطقه‌ای برای دسترسی به بازارهای جدید و جذب سرمایه از دیاسپورا ایرانی (جامعه ایرانی خارج از کشور) از طریق اوراق قرضه یا حساب‌های ویژه باید در دستور کار قرار گیرد.

جمع‌بندی: اعتماد ملی، پشتوانه توسعه

بانک ملی ایران با عبور از مرز تاریخی دو هزار همت، نه‌تنها یک رکورد مدیریتی بی‌سابقه ثبت کرده، بلکه نمادی از اعتماد ملی و ثبات مالی در شرایط دشوار را به نمایش گذاشته است. این منابع عظیم، سکوی پرتابی برای توسعه اقتصادی فراگیر کشور به شمار می‌رود که با تخصیص هوشمندانه به بخش‌های مولد، تحول دیجیتال و تقویت حاکمیت شرکتی، می‌تواند به تحقق اهداف بلندمدت مانند کاهش وابستگی به نفت، مهار تورم و افزایش رفاه عمومی منجر شود. این نقطه عطف، گواهی بر پتانسیل نظام بانکی ایران برای رهبری تحولات اقتصادی در منطقه است و باید با مدیریت علمی و مسئولیت اجتماعی پایدار، حفظ و توسعه یابد.

پژوهشی درباره دلایل بروز بحران آب پایتخت که به وضعیت هشدار دهنده رسیده است

تهران؛ قربانی توسعه بی‌انضباط

عباس کشاورز رئیس انجمن آبیاری و زهکشی ایران، هدی کهریزی رئیس گروه آب و محیط زیست مرکز ملی مطالعات راهبردی کشاورزی و آب؛ موضوع بحران آب و نگرانی از دسترسی مردم تهران به آب شرب از اوایل مردامدها به مسئله‌ای ملی بدل شد و به‌سرعت از سطح وزارتخانه مسئول فراتر رفت و در دستور کار ریاست‌جمهوری قرار گرفت. گزارش‌های متعدد درباره کاهش منابع آب سطحی و زیرزمینی و کمبود ذخایر سدهای تأمین‌کننده آب پایتخت، رئیس‌جمهور را به بازدید از پروژه انتقال آب طالقان کشاند؛ درحالی‌که بازدید چنین پروژه‌هایی در اصل در حوزه وظایف وزیر نیرو تعریف شده است. این اتفاق در شرایطی رخ داد که بسیاری از شهرهای کشور از جمله اصفهان، مشهد و شهرهای جنوبی استان خوزستان و حتی مناطق پرآب، سال‌هاست با مشکل تأمین آب شرب مواجه‌اند. از سوی دیگر، برآورد آب‌دهی رودخانه‌های حوزه‌هایی مانند کرج با روش‌های هیدرولوژیک امری شناخته‌شده و ساده است؛ بنابراین طرح بحران در دهمین ماه سال آبی و ایجاد حساسیت در بالاترین سطح مدیریت اجرایی کشور، نیاز به تأمل دارد.

با این حال، نگرانی از تأمین آب تهران به‌سرعت به‌دغغ‌ای عمومی تبدیل شد و به صورت کوتاه‌مدت، استمرار همکاری مردم در حداکثر صرفه‌جویی به عنوان راهکار اصلی مطرح شد. حال آنکه بحران آب نه‌تنها تهران، بلکه حتی مناطق حاشیه دریای خزر را نیز در بر گرفته است؛ مناطقی که در باور عمومی همواره از کفایت منابع آب برخوردار بوده‌اند. کالبدشکافی و آشکارسازی علل طرح این بحران در کلان‌شهر تهران می‌تواند فرصتی ارزشمند برای شناخت ریشه‌های بحران و ارائه راهکارهای مؤثر برای مدیریت پایدار تأمین این نهاده حیاتی باشد؛ نهاده‌ای که تأمین آن با کیفیت مناسب برای شرب و بهداشت، از وظایف اصلی دولت‌هاست.

تهران؛ سومین استان کوچک مساحت کشور

استان تهران امروز در نقطه‌ای حساس و شکننده قرار دارد. جمعیت استان بالغ بر ۱۴.۶ میلیون نفر بوده که بیش از ۹ میلیون نفر از آن در شهر تهران متمرکز شده‌اند. تهران به عنوان پایتخت اقتصادی، سیاسی و صنعتی کشور، با تمرکز شدید فعالیت‌ها و خدمات، مهاجرت‌های گسترده‌ای را از دیگر استان‌ها جذب کرده و همین امر موجب بارگذاری جمعیتی و اقتصادی فراتر از ظرفیت اکولوژیک این منطقه شده است. این درحالی است که استان تهران از نظر مساحت، پس از قم و البرز، سومین استان کوچک کشور است. این آمار به‌وضوح نشان می‌دهد که حتی از منظر جغرافیایی و مساحتی، ظرفیت لازم برای چنین توسعه‌ای در استان تهران وجود نداشته است.

بی‌توجهی به ظرفیت محدود اکولوژیک پیامدهای گسترده‌ای در افق بلندمدت خواهد داشت. امروز تهران یکی از آلوده‌ترین شهرهای جهان از نظر هوا، خاک و آلودگی صوتی محسوب می‌شود. آلودگی‌های زیست‌محیطی ناشی از محدودیت منابع آب، رشد جمعیت، صنعتی‌شدن بی‌ضابطه و نادیده‌گرفتن شاخص‌های توسعه‌ی پایدار، پسماند و منابع انرژی را به چالشی جدی بدل کرده است.

بررسی روند توسعه تهران نشان می‌دهد از زمان انتقال پایتخت از اصفهان تا دهه ۱۳۳۰، رشد این شهر محدود بود. جمعیت تهران از ۱.۴ میلیون نفر در سال ۱۳۳۳ به حدود شش میلیون نفر در سال ۱۳۶۳ افزایش یافت؛ افزایشی ۴۱۶درصدی فقط در سه دهه. این الگوی گسترش از سال ۱۳۶۴ تا ۱۳۹۳ با نرخ افزایش کمتری ادامه یافت و جمعیت از حدود شش میلیون به نزدیک ۸.۵ میلیون نفر رسید (افزایش ۱۴۴درصدی). درحال‌حاضر جمعیت این شهر از ۹ میلیون نفر گذشته است. مهاجرت و سیاست‌های ناهماهنگ افزایش جمعیت، مدیریت منابع را دشوار کرده و نیاز به تأمین آب و استراتژی‌های مدیریتی پیچیده‌تر را افزایش داده است. براساس گزارش شرکت آب و فاضلاب استان تهران (۱۴۰۴)، آب شرب برای بیش از سه میلیون مهاجر غیررسمی (اتباع خارجی) در استان نیز تأمین می‌شود. باید توجه داشت که هر مهاجر جدید حدود ۸۰۰ مترمکعب در سال به ییلان آب کشور اضافه می‌کند. مهاجرت علاوه بر بار جمعیتی، حاشیه‌نشینی و برداشت بی‌رویه منابع آب را نیز افزایش داده است.

آشفتگی زیست‌بوم تهران با انتقال آب

هم‌زمان با افزایش جمعیت و توسعه بی‌رویه، سیاست انتقال آب از دیگر مناطق برای تأمین آب تهران از اواخر دهه ۴۰ آغاز شد. نخست آب سد امیرکبیر که برای آبیاری دشت‌های کرج، مرندآباد و شهریار در نظر گرفته شده بود، به تهران منتقل شد. سپس آب سدهای هراز، لار، لنیان، ماملو و به‌تازگی طالقان نیز به این چرخه اضافه شد و در کنار آن حفر چاه‌های عمیق گسترش داشت.

چنین رویکردی، با تمرکز صرف بر تأمین و انتقال آب، سبب تغییر کاربری اراضی کشاورزی اطراف پایتخت (افزایش و توسعه شهرک‌ها)، بیابانی‌شدن بخش‌هایی از کرج، شهریار و ورامین، دست‌اندازی به حقایقه‌های این مناطق و به‌تازگی سفیدرود (شاخه شاهرود)، خشک‌شدن دشت‌های کرج، ورامین، شهریار، قزوین و برهم‌خوردن اکولوژی طالقان و متضررشدن حقایقه‌بران این مناطق شده است. به بیان دیگر، هرگونه انتقال آب، تعادل اکولوژیک منطقه را مختل کرده و حقایقه انسان و طبیعت را به مخاطره می‌اندازد؛ اقدامی که بحران‌های جبران‌ناپذیری را در پی خواهد داشت.

طبق گزارش شرکت آب و فاضلاب استان تهران (۱۴۰۴)، ۳۸ درصد آب مصرفی استان از منابع زیرزمینی و ۶۲ درصد از منابع سطحی تأمین می‌شود که از این مقدار ۸۴ درصد در بخش خانگی مصرف می‌شود. سرانه مصرف آب در تهران حدود ۲۷۰ لیتر در روز است؛ رقمی دو برابر میانگین جهانی. همچنین براساس گزارش کارگروه سازگاری با کم‌آبی، از مجموع ۴.۲ میلیارد مترمکعب آب تجدیدپذیر استان تهران، حدود ۲.۴ میلیارد مترمکعب در بخش کشاورزی، ۱.۵ میلیارد مترمکعب در بخش خانگی، ۱۸۳ میلیون مترمکعب در بخش صنعت و ۱۱۹ میلیون مترمکعب در فضای سبز مصرف می‌شود. کاهش ۴۴درصدی بارندگی در سال آبی جاری در مقایسه با دوره بلندمدت در کنار برداشت بی‌رویه از سفره‌های زیرزمینی و گسترش فضای سبز پرآب‌بر (چمن) سبب کاهش ذخایر پنج سد اصلی تهران شده است. بررسی وضعیت ذخایر آبی سدهای طالقان، ماملو، امیرکبیر، لنیان و لار نشان می‌دهد ذخیره مخازن سدهای پنج‌گانه در سال آبی ۱۴۰۴ به ۳۲۱ میلیون مترمکعب کاهش یافته؛ رقمی که در مقایسه با سال گذشته (۷۰۴ میلیون مترمکعب) ۲۷۳ میلیون مترمکعب کاهش داشته و در مقایسه با میانگین نرمال (۹۲۵ میلیون مترمکعب) ۴۹۴ میلیون مترمکعب افت داشته است.

پیامدهای این وضعیت بسیار گسترده است؛ استمرار افت سطح آب‌های زیرزمینی، بروز پدیده شوم فرونشست زمین به میزان حدود ۳.۷ سانتی‌متر در سال، آلودگی منابع آبی، فرسایش خاک، بیابان‌زایی و گسترش آن، مهاجرت اجباری و آسیب‌های اکوسیستمی فقط بخشی از مشکلات مدون مرتبط با تأمین آب تهران هستند. اگرچه بحران کنونی ناشی از تغییر اقلیم و بروز خشک‌سالی‌های دوره‌ای قلمداد می‌شود، اما مشکل اصلی کشور (و تهران) به «خشک‌سالی اجتماعی-اقتصادی» برمی‌گردد؛ زیرا ایران در اقلیم خشک و نیمه‌خشک قرار دارد و هنر و فرهنگ تاریخی مردم این سرزمین همواره سازگار با خشکی بوده است. نبود برنامه‌های توسعه پایدار ملی و منطقه‌ای، مهاجرت‌های گسترده، گسترش شهرهای پرجمعیت و توسعه فارغ از ظرفیت اکولوژیک و ظرفیت آمایشی، هزینه‌های بلندمدت فراوانی را به کشور تحمیل کرده است.



عکس:دانیال شاهین/انواران

مصرف آب به بخشی اطلاق می‌شود که در جریان بهره‌برداری به صورت تبخیر (انواع خنک‌کننده‌های آبی، چه خانگی و چه صنعتی) و تبخیر از سطح آب یا خاک، با تبخیر و تعرق گیاهان از دسترس خارج می‌شود. بخش عمده آب تهران در سیستم‌های خنک‌کننده خانگی و صنعتی بسیار قدیمی که تکنولوژی آنها متعلق به بیش از نیم‌قرن گذشته است، مصرف می‌شود (تلف می‌شود). برای نمونه، مصرف آب گولرهای آبی، ۳۰ تا ۴۵ لیتر در ساعت است. این در حالی است که ناکارآمدی سیاست‌گذاران و مدیران آب در جایگزینی تجهیزات مدرن و کم‌مصرف، موجب شده مردم به‌ناحق متهم به بدمصرفی شوند؛ درحالی‌که خود بزرگ‌ترین متضررهای این بی‌تدبیری‌ها هستند. مطابق برخی گزارش‌ها، حدود ۳۲ درصد آب در شبکه‌های شهری هدر می‌رود (با آب به حساب نیامده هستند). همچنین نیروگاه‌های حرارتی پرمصرف سال‌هاست در مناطق کم‌آب کشور ساخته شده‌اند (مانند نیروگاه شهید مفتح در همدان) و باعث برداشت مضاعف و تسریع افت سطح آب زیرزمینی و تشدید فرونشست زمین شده‌اند. دو واحد از این نیروگاه‌ها در محدوده استان بزرگ تهران قرار دارند و تاکنون برنامه‌ای برای جایگزینی این‌گونه تأسیسات پرمصرف آب اعلام نشده است و شاید بتوان گفت مسئولان آب احساس کمبود آب و ضرورت صرفه‌جویی برای خود قائل نیستند.

در شش دهه گذشته، تمرکز مدیریت آب کشور فقط بر پروژه‌های تأمین و انتقال بوده و برنامه‌ای جدی برای مدیریت مصرف تدوین نشده است. به نظر می‌رسد حتی طرح بحران آب تهران آن‌هم در ماه دهم سال آبی، بیشتر بهانه‌ای برای دریافت مجوزهای جدید انتقال آب باشد؛ انتقال‌هایی که پیامدهای اکولوژیکی نامشخصی را برای دیگر مناطق در پی خواهد داشت. از ابتدای گسترش تهران، وزارت آب و برق (نیروی فعلی) توجه خود را بر اجرای پروژه‌های بهره‌ینه انتقال آب متمرکز کرد و دو دیگر دستگاه‌های ذی‌ربط مانند وزارت مسکن و شهرسازی، شورای‌عالی شهرسازی، شهرداری تهران، سیستم‌های بانکی و فعالان بخش خصوصی نیز بدون توجه به ظرفیت‌های آبی و اکولوژیک، روند توسعه بی‌رویه را تشدید کردند. این در حالی است که در اسناد ملی، از جمله «راهبردهای ۱۸گانه توسعه بلندمدت منابع آب کشور» (مصوب ۱۳۸۲ هیئت دولت)، بر ضرورت توسعه شهرها متناسب با ظرفیت آمایش آبی، اجتناب از کاشت گیاهان پرآب‌بر مانند چمن در فضای سبز شهرها و اجرای طرح تعادل‌بخشی منابع آب‌های زیرزمینی و... تأکید شده است. با این حال، فضای سبز تهران همچنان با گیاهان پرآب‌بر (چمن) و روش‌های آبیاری پرمصرف (آبیاری با شلنگ یا آبیاری بارانی) با استفاده از حدود ۷۰۰ حلقه چاه آبیاری می‌شود و حتی مواردی از استفاده آب شرب در آبیاری گزارش شده است.

حلقه کم‌شده بازچرخانی آب

از سوی دیگر، آب‌های کمپاب با کیفیت مطلوب و گران‌قیمت، پس از یک بار مصرف، بدون بازچرخانی و استفاده مجدد به سپاب‌های غیربهداشتی بدل می‌شوند و در مناطق جنوبی شهر انباشته می‌شوند؛ سپاب‌هایی که در تولید محصولات کشاورزی آلوده استفاده می‌شوند و آلودگی محیط زیست را تشدید می‌کنند.

بنابراین با توجه به تلفات گسترده در سیستم‌های خنک‌کننده، هدررفت آب در شبکه‌های توزیع، انباشت سپاب‌های غیربهداشتی و استمرار برداشت آب‌های زیرزمینی برای نیروگاه‌های حرارتی، می‌توان گفت پتانسیل تأمین آب بیش از میزان نیاز فعلی است. راحل اساسی نه در پروژه‌های پرهزینه انتقال، بلکه در بهبود ارتقای مدیریت مصرف، بازچرخانی و حمایت از فناوری‌های نوین در همه بخش‌های مصرف است.

در چنین شرایطی، اتخاذ سیاست‌ها و برنامه‌ها و راهکارهای فوری و الزام‌آور میان‌مدت و بلندمدت برای عبور از بحران و مدیریت پایدار آن ضروری است. تدبیر سیاست‌هایی مانند توقف هرگونه توسعه شهری و صنعتی که بار جمعیتی را بر تهران می‌افزاید، بازسازی و نوسازی شبکه‌های فرسوده توزیع برای کاهش هدررفت، تدوین مقررات سخت‌گیرانه مصرف متناسب با ظرفیت آبی و اکولوژیک، مدیریت تقاضا با اصلاح الگوی مصرف و بهره‌گیری از فناوری‌های نوین، ارزیابی اثرات محیط‌زیستی پیش از اجرای هر پروژه توسعه‌ای، تمرکز بر بازتخصیص آب و بازچرخانی سپاب، ایجاد دو شبکه آب‌رسانی شهری مجزا برای شرب و غیرشرب، نصب کنتورهای هوشمند به صورت مجزا برای هر واحد مسکونی، جایگزینی تجهیزات پرمصرف با نمونه‌های کم‌مصرف (کنتورها و شیرها و...) در مدت حداکثر سه سال و توسعه معیشت‌های جایگزین در مناطق مبدأ مهاجرت برای جلوگیری از مهاجرت‌های اجباری باید در اولویت قرار گیرد.

ادامه مسیر کنونی، تهران را با بحران‌های جبران‌ناپذیری مواجه خواهد کرد؛ بحرانی که نه‌تنها آینده این کلان‌شهر، بلکه تعادل اجتماعی و اقتصادی کشور را تهدید می‌کند. اکنون زمان تصمیم‌گیری‌های سخت، قاطع و مبتنی بر واقعیت‌های اکولوژیک برای عبور از بحران فراسیده است.

گزارش

کاهش ۶۰درصدی فروش لوازم خانگی

بازار لوازم خانگی ایرانی با رکود کم‌سابقه‌ای روبه‌رواست که عمده‌تا ناشی از کاهش شدید قدرت خرید مصرف‌کنندگان، تورم فزاینده و نوسانات ارزی است. در یک سال گذشته، تقاضا برای لوازم خانگی بزرگ مانند یخچال و لباسشویی حدود ۵۰ درصد کاهش یافته است. تولیدکنندگان داخلی لوازم خانگی با حدود ۶۰ درصد ظرفیت اسمی کار می‌کنند. درحالی‌که ظرفیت کل سالانه حدود ۲۰ میلیون دستگاه بوده و هدف‌گذاری برای سال جاری ۲۲ میلیون دستگاه است که به دلیل موانع متعدد محقق نشده است. به گزارش «شرق»، در همین زمینه نسرین اوجاقی، دبیرکل انجمن صنایع لوازم خانگی ایران، در یک نشست خبری گفت: «بازار لوازم خانگی ایران درحال‌حاضر با رکود کم‌سابقه‌ای روبه‌رو است که عمده‌تا ناشی از کاهش شدید قدرت خرید مصرف‌کنندگان، تورم فزاینده و نوسانات ارزی است. براساس گزارش‌های اخیر، فروش لوازم خانگی در چهارماهه نخست سال ۱۴۰۴ در مقایسه با مدت مشابه سال قبل ۶۰درصد کاهش و تولید نیز ۱۲درصد کاهش یافته است». او با اشاره به اینکه سهم تولیدکنندگان داخلی از بازار لوازم خانگی ایران حدود ۷۰درصد (بر حسب تعداد) است، افزود: «تولیدکنندگان داخلی لوازم خانگی درحال‌حاضر با حدود ۶۰ درصد ظرفیت اسمی کار می‌کنند، درحالی‌که ظرفیت کل سالانه حدود ۲۰ میلیون دستگاه است و هدف‌گذاری ۱۴۰۴ (۲۲ میلیون دستگاه) به دلیل موانع، بعید است تحقق یابد».

دبیرکل انجمن صنایع لوازم خانگی ایران درباره دلایل بهروری پایین‌تر از ظرفیت کامل، توضیح داد: «دلایل اصلی به‌ره‌وری پایین‌تر از ظرفیت کامل شامل ناترازی انرژی (قطعی برق که خطوط تولید را نیمه‌ای از زمان متوقف می‌کند)، کمبود مواد اولیه (تخصیص‌نشدن اقلام از کمرک به دلیل مشکلات ارزی) و رکود تقاضا (کاهش ۶۰درصدی فروش به دلیل افت قدرت خرید) است. همچنین، تحریم‌ها و افزایش هزینه‌های تولید، سرمایه‌گذاری در فناوری‌های جدید را محدود و چرخه تولید را با مشکلاتی مواجه کرده است». دبیرکل انجمن صنایع لوازم خانگی ایران با بیان اینکه در ۱۲ ماه گذشته (از مهر ۱۴۰۳ تا مهر ۱۴۰۴)، تقاضای کل بازار برای لوازم خانگی بزرگ مانند یخچال و لباسشویی حدود ۵۰ درصد کاهش یافته است، در تشریح عوامل تعیین‌کننده قیمت محصولات لوازم خانگی تأکید کرد: «مهم‌ترین عوامل تعیین‌کننده قیمت نهایی محصولات لوازم خانگی، نرخ ارز با تأثیر ۴۰ الی ۵۰درصدی، هزینه‌های لجستیک و حمل‌ونقل ۱۵ الی ۲۰ درصد، مالیات بر ارزش افزوده ۱۰ درصد مستقیم بر قیمت نهایی) و فروش توزیع (۱۵،۱۰ درصد در زنجیره فروش) هستند. نوسانات ارزی اخیر هزینه تولید را افزایش داده و درحالی‌که قاچاق بدون پرداخت مالیات، رقابت ناعادلانه ایجاد کرده و قیمت مصرف‌کننده را پنج الی ۱۵ درصد بالاتر برده است. در مجموع، این عوامل بیش از ۸۰ درصد قیمت نهایی را تعیین می‌کند و بدون کنترل ارزی و لجستیکی، فشار بر مصرف‌کننده ادامه خواهد یافت».

آگهی مزایده عمومی شماره ۷/۱۴۰۴ شرکت گاز استان آذربایجان غربی

نوبت دوم

موضوع: مزایده یک مرحله ای شامل:

ردیف	شرح کالا	واحد	مقدار
۱	کنتور های اسقاطی گاز خانگی بدنه فولادی	کیلو گرم	۹۰,۰۰۰
۲	کنتور های اسقاطی گاز خانگی بدنه آلومینیومی	کیلو گرم	۲۸,۰۰۰
۳	رگلازور اسقاطی گاز خانگی آلومینیومی و چدنی	کیلو گرم	۴۵,۰۰۰
۴	فروش ضایعات آهنی و چدنی	کیلو گرم	۴۰,۰۰۰
۵	موتور آسانسور مستعمل	عدد	۱
۶	فروش ضایعات پلی اتیلنی	کیلو گرم	۵,۰۰۰

شرکت گاز استان آذربایجانغربی در نظر دارد کالاهای مستعمل ، اسقاطی و مازاد خود به شرح مذکور و با جزئیات مندرج در اسناد مزایده را با بهره گیری از سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (WWW.SETADIRAN.IR) با شماره مزایده/۱۴۰۴/۷ به صورت الکترونیکی به فروش برساند.

زمان انتشار در سایت : ۱۴۰۴/۰۷/۲۳ تا ۱۴۰۴/۰۷/۳۰ ساعت ۸	مهلت دریافت اسناد مزایده : ۱۴۰۴/۰۸/۱۲ ساعت ۱۵
تاریخ بازدید: ۱۴۰۴/۰۷/۲۴ الی ۱۴۰۴/۰۷/۳۰ ساعت ۱۴	آخرین مهلت ارسال پیشنهاد قیمت (۱۴۰۴/۰۸/۱۱ ساعت ۱۵)
زمان بازگشایی اسناد مزایده ۱۴۰۴/۰۸/۲۱ ساعت ۹	زمان اعلام به برنده : ۱۴۰۴/۰۸/۱۲ ساعت ۱۴

ضمناً، رعایت موارد ذیل الزامی می باشد:

- ۱- برگزاری مزایده صرفاً از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت می باشد و کلیه مراحل فرایند مزایده شامل خرید و دریافت اسناد مزایده (در صورت وجود هزینه مربوطه) پرداخت تضمین شرکت در مزایده (ودیعه) ارسال پیشنهاد قیمت ، بازگشایی پاکات ، اعلام برنده ، واریز وجه مزایده در بستر سامانه ستاد اسکان بذیر می باشد . ضمناً پرداخت تضمین شرکت در مزایده علاوه بر بازگاری در سامانه بصورت فیزیکی بعد از تایید واریز توسط مدیریت مالی تحویل دفتر امور تدارکات و عملیات کالا واقع درارومیه جاده چی چست (گلخانه) کیلومتر ۴ اتبانهایی شرکت گاز استان آذربایجانغربی گردد.
- ۲- پیشنهاد می گردد با توجه به تنوع کالاهای مطرح شده در مزایده قبل از ارائه پیشنهاد از اقلام موضوع مزایده بازدید به عمل آوردید .
- ۳- نوع و مبلغ تضمین شرکت در مزایده: بمطابق مصوبه شماره ۱۲۳۴۰۲/ت ۵۰۶۵۹ مورخ ۹۴/۹/۲۳ هیات وزیران (۱۰ درصد مبلغ پیشنهادی) خواهد بود.
- ۴- علاقه‌مندان به شرکت در مزایده می بایست جهت ثبت نام و دریافت گواهی الکترونیکی (توکن) با شماره های ذیل تماس حاصل نمایند:

مرکز پشتیبانی و راهبری سامانه : ۴۱۹۳۴-۰۲۱

اطلاعات تماس دفتر ثبت نام سایر استانها، در سایت سامانه (WWW.SETADIRAN.IR) بخش "ثبت نام / پروفایل مزایده گر" موجود است.

اطلاعات تماسی مزایده گز : ۴۴-۳۱۹۹۸۶۰۶

شماره آگهی: ۲۰۷۹۴۰۳

نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۷/۲۹

نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۷/۲۴

روابط عمومی شرکت گاز استان آذربایجان غربی

روابط عمومی شرکت گاز استان آذربایجان غربی